

## ORIGINAL ARTICLE

# Examining the Role of Education in the Context of Green International Criminal Policy Approaches

Amin Hajivand<sup>1</sup>, Seyyed Hossein Hosseini<sup>2</sup>, Abdolreza Javan Jafari<sup>3</sup>

1. Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3. Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Correspondence:

Seyyed Hossein Hosseini  
Email: [shosseini@um.ac.ir](mailto:shosseini@um.ac.ir)

Received: 21/ Oct/2023

Accepted: 18/Mar/2024

### How to cite:

Hajivand, A., Hosseini, S.H., & Javan Jafari, A. (2024). Examining the Role of Education in the Context of Green International Criminal Policy Approaches. *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 13(1), 91-102. (DOI: [10.30473/EE.2024.68614.2657](https://doi.org/10.30473/EE.2024.68614.2657))

### ABSTRACT

Today, it is accepted in the international community that environmental threats also endanger international peace and security. The United Nations, as the most important global organization responsible for international peace and security, has begun to draw up an internationalized criminal policy by approving binding documents, guidance documents, etc. In the realm of global criminal policy, one of the areas that can be studied scientifically is the role of "education" towards the environment. This research, using a descriptive-analytical method, has reached the important result that the education of activists and legal system professionals in the field of the environment holds a higher position than education aimed only at raising awareness and instilling morality in societies. The green international criminal policy is a set of measures and actions taken by the United Nations as the most important international actor towards environmental protection. In the internationalized criminal policy, which can be categorized into two approaches—proactive and reactive—there is a need for training both citizens to manage preventive proactive criminal policy (using social prevention methods and green media tools, making environmental law lessons compulsory for all disciplines) and the judicial system to manage the reactive criminal system (employing green-trained officers, increasing the number of special officers, providing continuous specialized training for them, and maximizing the use of judges with postgraduate education in environmental law, energy law, etc.). Iran's legal system also faces serious challenges in some of these areas, which, by addressing these education-oriented challenges, can help to confront and combat anti-green criminals.

### KEY WORDS

Education, Green Criminal Policy, Proactive Criminal Policy, Reactive Criminal Policy, Environmental Law.



# آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۴۰۳ (۹۱-۱۰۲)

DOI: [10.30473/EE.2024.68614.2657](https://doi.org/10.30473/EE.2024.68614.2657)

«مقاله پژوهشی»

## واکاوی جایگاه آموزش در پرتو رهیافت‌های سیاست جنایی بین‌المللی سبز

امین حاجی‌وند<sup>۱</sup>، سید حسین حسینی<sup>۲</sup>، عبدالرضا جوان جعفری<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه در جامعه‌ی بین‌المللی پذیرفته شده است که تهدیدات زیست‌محیطی نیز صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازند. سازمان ملل متحد نیز به‌عنوان مهم‌ترین سازمان جهانی عهده‌دار مسئولیت صلح و امنیت بین‌المللی با تصویب اسناد الزام‌آور، اسناد ارشادی و غیره به ترسیم یک سیاست جنایی بین‌المللی شده مبادرت ورزیده است. در قلمرو سیاست جنایی جهانی، یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند مورد واکاوی علمی قرار گیرد، نقش «آموزش» در قبال محیط‌زیست است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بدین نتیجه مهم دست‌یافته است که آموزش کنشگران و فعالان نظام حقوقی در حوزه محیط‌زیست جایگاهی والاتر از آموزش‌هایی صرفاً در قالب درک‌مندی و اخلاق‌پذیر نمودن جوامع دارد. سیاست جنایی بین‌المللی سبز مجموعه تدابیر و اقدامات سازمان ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین کنشگر بین‌المللی در قبال محیط‌زیست است. در سیاست جنایی بین‌المللی شده که در دودسته کنشی و واکنشی قابل‌تصور است، آموزش هم در قبال شهروندان جهت مدیریت سیاست جنایی کنشی پیشگیرانه (استفاده از پیشگیری‌های اجتماعی و ابزار رسانه سبز، الزامی نمودن درس حقوق محیط‌زیست برای تمامی رشته‌ها) و هم در قبال سیستم قضائی جهت مدیریت سیستم جنایی واکنشی (به‌کارگیری ضابطین آموزش‌دیده سبز و افزایش موارد ضابطین خاص و آموزش‌های مستمر تخصصی به آنها، استفاده حداکثری از قضات با تحصیلات تکمیلی در رشته‌های حقوق محیط‌زیست، حقوق انرژی و غیره) جایگاه دارد که نظام حقوقی ایران نیز در برخی از این حوزه‌ها دارای چالش‌های جدی است که با برطرف نمودن این چالش‌های آموزش‌مدار می‌تواند به مقابله و مبارزه با پدیده بزه ضد سبز گام بردارد.

### واژه‌های کلیدی

آموزش، سیاست جنایی سبز، سیاست جنایی کنشی، سیاست جنایی واکنشی، حقوق محیط‌زیست.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول:

سید حسین حسینی

رایانامه: [shosseini@um.ac.ir](mailto:shosseini@um.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

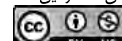
### استناد به این مقاله:

حاجی‌وند، امین. حسینی، سیدحسین و جوان جعفری، عبدالرضا. (۱۴۰۳). واکاوی جایگاه آموزش در پرتو رهیافت‌های سیاست جنایی بین‌المللی سبز، فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۳(۱)، ۹۱-۱۰۲.

(DOI: [10.30473/EE.2024.68614.2657](https://doi.org/10.30473/EE.2024.68614.2657))

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۳. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## مقدمه

به‌گونه‌ای که به موضوع مهم «بزه زیست‌محیطی» نیز توجه نموده و اسناد متعددی را در این زمینه به تصویب رسانده است.<sup>۲</sup>

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین علل توجیه‌کننده برای مداخله سازمان ملل متحد در جهت حفاظت از محیط‌زیست، ماهیت بزه زیست‌محیطی است. ماهیت این بزه به‌گونه‌ای است که می‌توان در بسیاری از موارد، آن را به معنای حقیقی کلمه، بزه بین‌المللی دانست. البته نباید فراموش نمود که بحران زیست‌محیطی با تلاش تمامی نظام‌های حقوقی امکان‌پذیر است، بنابراین سازمان ملل متحد بایستی یک وفاق بین‌المللی در این زمینه ایجاد کند. از این رو، ضرورت دارد که سیاست جنایی سازمان ملل متحد چه از حیث جنبش‌ها و اندیشه‌های حاکم بر سیاست جنایی و چه از حیث مدل‌ها و پاسخ‌گذاری‌ها در قبال محیط‌زیست بررسی شود؛ دولت‌های عضو سازمان ملل متحد؛ نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی دارند بنابراین گرچه در خصوص بزه زیست‌محیطی هم‌عقیده‌اند، اما در خصوص اتخاذ سیاست‌ها اتفاق‌نظری وجود ندارد. در واقع، عرصه بین‌المللی عرصه‌ای بسیار متنوع، متعدد و واگراست؛ از این رو پیش از هر چیز ایجاد وفاق بین‌المللی درباره این چالش بین‌المللی ضرورت می‌یابد و برای ایجاد این وفاق شناسایی دقیق سیاست جنایی سازمان ملل متحد و هم‌سویی با آن ضروری است. ناگفته نماند؛ علاوه بر ورود جدی سازمان ملل متحد در این حوزه، نحوه مداخله نیز مهم است، زیرا هرگونه اقدامی برای حفاظت از محیط‌زیست در عرصه جهانی، به ایجاد گفتگویی مشترک و هماهنگ نیاز دارد، اما تنوع و تعدد کشورهای عضو سازمان ملل متحد فضایی را فراهم می‌آورد که این سازمان هرگز نمی‌تواند نسخه مشترکی را برای همه کشورها تجویز کند. برای رسیدن به وفاق بین‌المللی در این خصوص، باید سیاست جنایی سازمان ملل متحد شناسایی و معرفی گردد، زیرا با وجود یک سیاست جنایی منسجم بین‌المللی است که هدف خاص حفاظت از محیط‌زیست دنبال

در عصر حاضر به‌موازات جهانی‌شدن حقوق با پدیده «سیاست جنایی جهانی شده» یا «سیاست جنایی بین‌المللی» مواجه هستیم که غالباً بحران‌ها آغازگر این مقوله هستند. بدون تردید؛ یکی از این بحران‌ها در حوزه محیط‌زیست است که فرآیند جهانی‌شدن را با شتاب بیشتری مواجه کرده، به‌گونه‌ای که با ظهور و توسعه جرایم فراملی و سازمان‌یافته، شاهد شکل‌گیری، تقویت و توسعه سیاست جنایی جهانی شده<sup>۱</sup> هستیم. فراملی بودن و جهانی‌شدن بزه زیست‌محیطی در بسیاری از موارد سبب شده است دغدغه دولت‌ها از سطح حاکمیتی و ملی فراتر رود. از این رو اغلب سازمان‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی برای رفع دغدغه‌های زیست‌محیطی در حال فعالیت هستند. در این میان سازمان ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین سازمان جهانی سیاست‌گذار مطرح است. بر اساس اصول حاکم بر منشور ملل متحد، می‌توان سازمان ملل متحد از نظر جغرافیایی (ماده ۳ منشور ملل متحد)، اهداف (مقدمه و ماده ۱ منشور ملل متحد)، اختیارات (مواد ۱۰ تا ۱۴ و ۲۴ منشور ملل متحد)، نوع اعضا و صلاحیت (بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد) را شاخص‌ترین و پیچیده‌ترین سازمان بین‌المللی دانست. این سازمان بین‌المللی که تجمعی از دولت‌هاست، بر پایه یک سند تأسیس (منشور سازمان) ایجاد شده و با ارکان و کارگزارهای مخصوص، به‌صورت مستمر در جهت رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کند. از نظر میزان مشارکت بین‌المللی نیز سازمان ملل در میان سازمان‌های بین‌المللی دولتی، منحصربه‌فرد است؛ زیرا این سازمان اعضای بسیار و مشروعیت زیادی دارد که آن را به محلی سودمند برای اجماع بین‌المللی تبدیل می‌کند (Beygzadeh, 2021) در این میان، سازمان ملل متحد جهت رسیدن به یک اجماع بین‌المللی در خصوص حفاظت از محیط‌زیست، بر روی مسائل و چالش‌های زیست-محیطی حساس شده و پیشگیری و برخورد با جرایم زیست-محیطی را در کانون اصلی سیاست جنایی خود قرار داده است.

۱. صحبت از ترسیم سیاست جنایی بین‌المللی که همه کشورهای عضو جامعه جهانی از آن الهام بگیرند، چند دهه است که وجود دارد؛ اما صحبت از سیاست جنایی بین‌المللی در کمیسیون‌های پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران و حمایت از بزه‌دیدگان به‌طور کلی مشاهده گردید. سازمان ملل متحد، بزه‌کاری و به‌ویژه اشکال سازمان‌یافته آن را عاملی مخل برای نظم عمومی دولت‌ها و درنهایت خطری برای صلح و امنیت جهانی تلقی می‌کند.

۲. به‌عنوان مثال رجوع کنید به: ماده (۱) کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاها؛ مقدمه کنوانسیون وین درباره حفاظت از لایه ازن؛ ماده (۱) کنوانسیون چارچوبی ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی؛ مقدمه کنوانسیون تنوع‌زیستی؛ ماده (۱) پروتکل ایمنی‌زیستی (کارتاهنا) الحاقی به کنوانسیون تنوع‌زیستی؛ مقدمه و مواد (۱)، (۳)، (۴)، (۶)، (۹) - (۱۱) و (۱۳) کنوانسیون استکهلم یا اصول ۲۰۲۲ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌های پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### – مفهوم بزه ضد سبز و سبز شدن شاخه‌های مختلف علوم جنایی

تعبیر «بزه ضد سبز» در مقابل تعبیری استفاده می‌گردد که برخی از نویسندگان از آن تحت عنوان «بزهکاری سبز» یا «بزه سبز» استفاده نموده‌اند (Keshavarz, 2017). «بزه ضد سبز» که برای نخستین بار در این پژوهش به کار گرفته می‌شود یادآور بزه‌ی است که بر ضد سبز یا همان ضد محیط‌زیست و توسعه پایدار است و نمی‌تواند عنوان صرف «سبز» به خود بگیرد. شاید استفاده صرف واژه سبز در تألیفات نویسندگان علوم جنایی، الهام گرفته از بحث رنگ‌بندی شدن علوم جنایی است. به‌عنوان مثال «جرم‌شناسی سبز» به‌عنوان رویکردی نوین در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی از سوی مایکل لینچ و جرم‌شناسان اغلب انتقادی آمریکا ظهور پیدا کرد. این جرم‌شناسان معتقد هستند که جرم‌شناسی متعارف در پاسخگویی و تحلیل آسیب‌های زیست‌محیطی با شکست مواجه شده است.<sup>۱</sup> از این رو، ما نیازمند اتخاذ رویکردی نوین و نگاهی سبز در علت‌شناسی آسیب‌های زیست‌محیطی هستیم (Gorjifard, 2016): اما به نظر می‌رسد سرایت این اصطلاح سبز به بزه زیست‌محیطی اقدام درستی نیست؛ چراکه جرم‌شناسی سبز به معنای جرم‌شناسی نوظهور انتقادی تازه مطرح‌شده‌ای است که در علت‌شناسی بزه زیست‌محیطی دیدگاه‌های جدیدی را نسبت به جرم‌شناسی سنتی مطرح می‌کند؛ بنابراین بزه ضد سبز بزه‌ی است که ضد محیط‌زیست و توسعه پایدار است. امروزه شاهد رنگ‌بندی شدن تألیفات علوم جنایی هستیم.<sup>۲</sup>

۱. علت شکست در فقدان رویکرد انتقادی به ساختارهای سنتی در خصوص جرم بوده است که عاجز از تحلیل جرایم نوظهور بوده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک به: گرچی فرد، حمیدرضا (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی سبز، تهران، نشر میزان.

۲. مقوله مهم رنگ‌بندی شدن سبز علاوه بر ارتباط با بحث نماد (محیط‌زیست)؛ علل مختلفی می‌تواند داشته باشد. یکی از علل می‌تواند به جهت مطرح نمودن نگاه‌های نوآیندیش رشد و نمو یافته باشد؛ همان‌گونه که در علوم مختلف نیز به کار می‌رود «همچون اقتصاد سبز، مدیریت سبز»؛ علت دیگری که می‌توان مطرح نمود نگاه اعتراضی و ورود یک رویکرد جنبشی به مقوله علمی حاضر باشد

می‌گردد. این پژوهش درصدد آن است که با شناسایی و دست‌یابی به سیاست‌های سازمان ملل متحد در زمینه جایگاه آموزش در قبال جرایم زیست‌محیطی، با الگوگیری و بومی‌سازی آن‌ها، راهبردهای پیشگیرانه و واکنشی (اعم از کیفری و ترمیمی) مناسبی را در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور زیست‌محیطی قرار دهد تا در پرتو هماهنگی قوانین و مقررات داخلی با مقررات اسناد فراملی، زمینه همکاری‌های فراملی بیشتر، بهتر و سریع‌تر در این زمینه فراهم شود؛ زیرا تجربه چند سال اخیر نشان می‌دهد که بدون این هماهنگی و همکاری، پیشگیری و مقابله با جرایم زیست‌محیطی و حل بحران زیست‌محیطی کشور و جهان ممکن نخواهد شد. حل بحران‌های زیست‌محیطی داخلی مانند پدیده ریزگردها، بحران آب، جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی، آلودگی رودخانه‌ها و دریاها، دفع نامناسب پسماندها، گرم شدن هوا، تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا و غیره نیازمند بهره‌گیری از تجربه سایر کشورها و راهکارهای سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است که با استفاده از شیوه‌های علمی و تجربی به بررسی این موضوع‌ها پرداخته و راهکارهای مناسب و دقیقی را ارائه داده‌اند. در پژوهش حاضر منظور از سیاست جنایی کنشی اقدامات و تدابیر پیشگیرانه و سیاست جنایی واکنشی نیز اقدامات با جنبه کیفری و ترمیمی است. این پژوهش بعد از مفهوم شناسی واژگان ضروری، جایگاه آموزش سبز در پهنه سیاست جنایی بین‌المللی و ملی را مورد واکاوی قرار داده است.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر که از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی است و جمع‌آوری اطلاعات در آن از طریق بررسی اسنادی و فیش‌برداری بوده است. با این توضیح که در قسمتی از این تحقیق که به تبیین مفاهیم مربوط می‌شود بیشتر از روش توصیفی استفاده شده است؛ اما در قسمت دیگر این تحقیق که مربوط به بررسی و واکاوی آموزش محیط‌زیست می‌باشد، بیشتر از روش تحلیلی استفاده شده است. در این تحقیق اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مختلف به روش کتابخانه‌ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. کاربرد اصلی این پژوهش که ذاتاً دارای ماهیتی راهبردی است، ابتدا به توصیف‌های ضروری پرداخته و سپس به واکاوی جایگاه آموزش (با الگوی سیاست جنایی بین‌المللی شده سازمان ملل متحد) پرداخته و چالش‌ها و راهکارهای نظام حقوقی داخلی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

و در حوزه جرایم ضد سبز از دغدغه‌های سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد.

#### – حمایت جهانی شده از محیط‌زیست

در حقوق بین‌الملل کنونی، می‌توان از تعهداتی سخن گفت که تمام بازیگران بین‌المللی در رعایت آن هم‌سو به نظر می‌آیند و همگان برای این تعهدات ارزش و اعتبار مشترک و جهانی قائل‌اند. در این زمینه، حقوقدان برجسته سیمیا می‌گوید این‌گونه منافع مشترک از شناسایی برخی مشکلات وابسته به یکدیگر ریشه می‌گیرند که نمی‌توان حل آنها را تنها به اراده آزاد دولت‌های حاکم واگذار کرد. این منافع شامل صلح و امنیت بین‌المللی، همکاری میان کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته، حفاظت از محیط‌زیست، میراث مشترک بشریت و حمایت از حقوق بشر می‌شوند (Simma, 1994).

از این منظر، جدا از محدودیت‌های حاکم بر حقوق بین‌الملل ناشی از حاکمیت و رضایت دولت‌ها در قبول تعهدات بین‌المللی، در زمینه‌هایی از حقوق بین‌الملل که با منافع جمعی بشر سروکار دارند، پیشرفت‌هایی حاصل شده است. این پیشرفت‌ها ناظر بر تعیین تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها، تعهد به همکاری، تصمیم‌گیری مشترک و ایجاد ساختارها و نهادهای جدید به منظور تحقق هدف‌ها و تعهدات مورد توافق‌اند.

از جلوه‌های این طرز نگاه به منافع مشترک، در نظریه مخالف قاضی ترینداد در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده جزایر مارشال نمود یافته است (ICJ Reports, 2016). در حوزه تعهد به خلع سلاح هسته‌ای که با صلح و امنیت بین‌المللی و حفظ حیات کلیه انسان‌ها پیوند خورده، قاضی ترینداد معتقد است: «پرونده حاضر، در راستای رویکردی انسان‌محور به جای رویکردی حاکمیت محور و بین دولتی، نیازمند تمرکز بر نوع بشر است. سازوکار بین‌دولتی احقاق حق در قضایای ترافیکی دیوان نباید صرفاً به اتخاذ رویکردی بین‌دولتی در استدلال دیوان منجر گردد، زیرا خلع سلاح هسته‌ای موضوعی دارای جنبه نگرانی بشریت در کل است.» (ICJ Reports, 2014). از این رو آنچه ضروری است، توجه به منافع مشترک جامعه بین‌المللی در کل است که از روابط متقابل میان دولت‌ها فراتر رفته و مستلزم اتخاذ دیدگاهی مترقیانه به الزامات زیست‌محیطی جمعی بین‌المللی است.

همچون معاهدات حقوق بشری، معاهدات زیست‌محیطی نیز دربردارنده تعهدات متقابل و مبتنی بر مزایای دوجانبه نیستند؛ زیرا هیچ دولتی به‌تنهایی در قبال این تعهدات مسئول نیست و

بزه‌دیده‌شناسی سبز یا زیست‌محیطی از جمله شاخه‌های جرم‌شناسی سبز است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی با خاستگاهی انتقادی از نظام عدالت کیفری در تقابل با بزه‌دیده‌شناسی متعارف با به عرصه‌ی ظهور گذاشت. در بزه‌دیده‌شناسی متعارف همواره انسان‌ها به‌عنوان بزه‌دیده‌ی جرائم معرفی گشته حال آن‌که بزه‌دیده‌شناسی سبز با گذار از این دیدگاه و ارزش‌گذاری برای محیط‌زیست معتقد است که انسان در کنار طبیعت می‌تواند بزه‌دیده سبز باشد. با رهگیری مقررات حاکم سیاست کیفری تقنینی ایران می‌توان بزه‌دیدگان سبز را به دودسته جان‌دار و بی‌جان تقسیم کرد. بزه‌دیدگان سبز جان‌دار عبارت‌اند از اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان و بزه‌دیدگان سبز بی‌جان نیز به هوا، آب، خاک و زمین قابل تقسیم‌اند. با این وجود، هرچند نظام حقوقی ایران هر دودسته را به‌عنوان بزه‌دیده‌ی سبز انگاشته است و از این رو متأثر از رویکرد طبیعت‌محور بوده، اما چالش‌های فراوانی در راستای حمایت از آن‌ها در این مقررات وجود دارد که به تصویر کشیدن آن‌ها می‌تواند نقش ارزنده‌ای در شناسایی و حمایت از بزه‌دیدگان سبز ایفا نماید (Shamloo, 2016).

عبارت «آیین دادرسی کیفری سبز» نیز نخستین بار توسط امین حاجی وند در پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی به کار گرفته شد که در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع گردید. این پژوهش بیانگر لزوم رسیدگی‌های افتراقی سبز (تخصصی) در قبال بزه‌های ضد سبز (توسعه پایدار) بوده است (Hajivand, 2017).

در عصر حاضر به‌موازات جهانی‌شدن حقوق با پدیده «سیاست جنایی جهانی شده» یا «سیاست جنایی بین‌المللی» مواجه هستیم که غالباً بحران‌ها آغازگر این مقوله هستند. بدون تردید؛ یکی از این بحران‌ها در حوزه محیط‌زیست است که فرآیند جهانی‌شدن را با شتاب بیشتری مواجه کرده، به‌گونه‌ای که با ظهور و توسعه جرایم فراملی و سازمان‌یافته، شاهد شکل‌گیری، تقویت و توسعه سیاست جنایی جهانی شده هستیم

همچون جرم‌شناسی سبز که نگاهی اعتراضی به نگاه قدیمی سنتی دارد یا بزه دیده شناسی سبز که خواستار توجه عمیق‌تری به بزه دیدگان زیست‌محیطی است که ضررهای بزه در این مقوله در بسیاری از موارد غیرقابل جبران است. در این حوزه چالش‌هایی نیز وجود داشته که جهت مطالعه بیشتر ر.ک به: جلالیان، عسگر (۱۴۰۱)، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر

می‌اندازند. سازمان ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین سازمان جهانی که عهده‌دار مسؤلیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، ضروری دانسته است که موضوع محیط‌زیست را در دستور کار خود قرار داده و از رهگذر تصویب اسناد الزام‌آور، اسناد ارشادی، پیمان‌نامه‌ها، قطعنامه‌ها، برگزاری کنفرانس‌های متعدّد، ایجاد نهادهای تخصصی وابسته (مانند یونپ)، تعیین اولویت‌های هزاره‌ی سوم میلادی و ... دولت‌ها را «ترغیب» یا «ملزم» به پیشگیری و مقابله با جرایم زیست‌محیطی کند؛ بنابراین بررسی سیاست جنایی سازمان ملل متحد در قبال بزه‌کاری زیست‌محیطی از اهمیت فراوانی برخوردار است و می‌توان از یک سیاست جنایی بین‌المللی در مقابل حقوق کیفری ملی صحبت نمود، چراکه زمانی که حقوق کیفری جهانی شده است، سیاست جنایی در برابر جرایم بین‌المللی و فراملی همچون بزه‌کاری زیست‌محیطی نیز باید جهانی شود و حاکمیت دولت‌ها نمی‌تواند مانعی بر این راه باشد، چراکه اصل احتیاط مقتضی به‌عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نشان‌دهنده این مهم است که آسیب‌ها و ضررهای زیستی بزه‌کاری زیست‌محیطی محدود به مرزهای یک کشور نیست و دولت نیز خود متعهد به تضمین حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از نسل‌های حقوق بشری است و در زمینه آموزش نیز علیرغم جلوه‌هایی در این حوزه باید اقداماتی انجام شود که در گفتار ذیل بررسی می‌گردد.

### جایگاه آموزش سبز در قلمرو سیاست جنایی

#### پیشگیرانه سبز

مقصود پژوهش حاضر از سیاست جنایی کنشی، تدابیر و اقدامات پیشگیرانه در حوزه محیط‌زیست است. بحث پیشگیری از بزه‌کاری یکی از مسائل بسیار مهمی است که در ادبیات سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. عبارت «پیشگیری بهتر از درمان است» باوجود سادگی، در صورت رعایت معنا، تأثیر عمیقی در بهبود زندگی اجتماعی انسان خواهد داشت زیرا انسان ذاتاً یک موجود پیشگیر است.

پیشگیری از جرم در چند دهه اخیر به‌طور ویژه توجهات سیاست‌گذاران را در حوزه عدالت کیفری به خود جلب کرده است. در این راستا برنامه جرم سازمان ملل متحد از بدو تشکیل خود نیاز به اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از جرم را مدنظر قرار داده است. این موضوع خود حاکی از اهمیت اقدامات

منافع تمامی دولت‌ها در این خصوص مدنظر خواهد بود (Boyle, 1991). بنابراین، ثمربخشی حفاظت جهانی از محیط‌زیست تنها با استناد به اصل تقابل که بر مفهوم برابری مطلق دولت‌ها استوار است، قابل تحقق نخواهد بود.

اصل اول اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در خصوص محیط‌زیست و توسعه، «بشریت را مرکز نگرانی‌های مربوط به توسعه پایدار می‌داند». این اصل مؤید این برداشت است که «در دوره جدید حقوق بین‌الملل، تنها منافع دولت‌ها مدنظر نیست، بلکه فراتر از آن، منافع بشر و رفاه کره زمین در مرکز توجه قرار دارد.» (ICJ Reports, 2014) این عبارات دو نگرانی مطرح در عرصه حقوق محیط‌زیست جهانی را نشان می‌دهند؛ منافع انسان و منافع بشر در کل. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده صید نهنگ (ICJ Reports, 2014)، با موضوع حفاظت از این قبیل منافع مشترک زیست‌محیطی مواجه بوده است. در همین زمینه قاضی ترینداد در نظریه مخالف خود خاطر نشان می‌سازد که پرونده حاضر موقعیت استثنایی را جهت پیش‌بینی نظامی متشکل از قواعد جمعی زیست‌محیطی با رویکرد انتفاع نسل‌های آینده برای دیوان فراهم آورده است. وی اضافه می‌کند که در حوزه حفاظت و استفاده پایدار از منابع زنده دریایی، حقوق الزامی<sup>۱</sup> فراتر از اراده آزاد دولت‌ها<sup>۲</sup> در پاسداری از مشترکات عمومی نمود خواهد داشت (ICJ Reports, 2014).

همسو با ضرورت‌های پیش‌گفته، در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و درازای حفاظت از ارزش‌های مشترک و جهانی، دکترین و مفاهیم حقوقی جدیدی وارد گفتمان حقوق بین‌الملل شده است. معاهدات متعددی نیز به تصویب رسیده که در آن اصطلاح «منافع مشترک»<sup>۳</sup> به‌کاررفته است. درواقع، می‌توان گفت آنچه به‌عنوان ملاحظات اولیه و منافع مشترک بشری شناخته می‌شد، امروزه از منشأ ابتدایی و زمینه‌های تاریخی خود یعنی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر فاصله گرفته و به شاخه‌های دیگری از حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گسترش یافته است.

امروزه در جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است که تهدیدات زیست‌محیطی نیز صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر

1. Jus Necessarium
2. Jus Voluntarium
3. Common Interests

آسیب‌های زیست‌محیطی از بین خواهد رفت. برای نمونه، آموزش شیوه‌های مناسب، کم‌مصرف و پربازده کشت محصول به کشاورزان سبب می‌شود که افزون بر کاهش مصرف آب و پایین آمدن مصرف کودهای شیمیایی، میزان تولید نیز افزایش یافته و آسیب کمتری به محیط‌زیست وارد شود. یا ترویج فرهنگ کاهش مصرف گوشت و استفاده از غذاهای گیاه محور سبب خواهد شد که میزان پرورش و کشتار حیوانات کاهش یافته و منابع موجود حفظ شود. به‌همین‌سان، آموزش شیوه تولید لباس‌های خردار به شهروندان و افشای حقایق پنهان و پشت پرده سبب می‌شود که شهروندان در پوشش خود تجدیدنظر نموده و کشتار گسترده حیوانات جهت تهیه خز کاهش پیدا کند (Hajivand, 2017).

با توجه به همین امر، آموزش اخلاق و محیط‌زیست به شهروندان نیز در سیاست‌های سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا در مواد مختلف اعلامیه استکهلم و در موادی چند از اعلامیه ریو (۱۹۹۲) (به‌عنوان منابع حقوق نرم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست) آموزش سبز مورد اشاره قرار گرفته است (Rezaei & Jalalian, 2017). همین سیاست را در اسناد دیگر نیز می‌توان مشاهده نمود. به این ترتیب سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی با وقوف به اهمیت موضوع آموزش در پیشگیری و کاهش جرایم زیست‌محیطی تلاش نموده‌اند تا برنامه‌های آموزشی را در دستور کار نهادهای بین‌المللی و داخلی قرار دهند.

به موجب این حق، دولت موظف به اتخاذ تدابیر لازم جهت ایجاد فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و استفاده از فناوری‌های پاک می‌باشد. «این آموزش و فرهنگ‌سازی باید در کلیه سطوح اعم از آموزش رسمی و غیررسمی صورت گیرد.» بر اساس اصل نوزدهم بیانیه ریو، آموزش درباره موضوعات زیست‌محیطی برای نسل جوان و بزرگسالان با بذل توجه لازم نسبت به افراد مستضعف، برای وسیع‌تر کردن شالوده عقیده‌ای روشن‌بینانه و رفتاری مسئولانه از طرف انسان‌ها، مؤسسات و اجتماعات درباره محافظت و بهبود محیط‌زیست در بعد کامل آن ضروری است. همچنین لازم است که «وسایل ارتباط جمعی از کمک به تخریب محیط‌زیست اجتناب نمایند، بلکه بالعکس اطلاعاتی آموزشی درباره نیاز به حمایت و بهبود محیط‌زیست برای توانایی دادن به انسان برای توسعه در هر زمینه ارائه دهند.»

### جایگاه آموزش در قلمرو سیاست جنایی واکنشی

پیشگیرانه، یعنی تدابیر غیر قهرآمیز در سیاست جنایی سازمان ملل است<sup>۱</sup>.

پیشگیری جامعه مدار شامل مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری است که با ماهیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از وقوع جرم به منظور بسترسازی برای اجتماعی کردن همه شهروندان به کارگرفته می‌شود. در ذیل به برخی از سیاست‌های کنشی جامعه مدار زیست‌محیطی در دیدگاه سازمان ملل متحد (به‌عنوان الگوی جهانی) و نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

آموزش را می‌توان نخستین راهبرد پیشگیرانه سیاست جنایی هر جامعه‌ای دانست، زیرا تا زمانی که شخص شناخت و آگاهی لازم از یک رفتار و پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم آن نداشته باشد، نمی‌تواند به ممنوعیت آن پی برده و از ارتکاب آن خودداری نماید. در حقیقت، علم نخستین شرط رفتار قانونی است. این نکته در مورد جرایم زیست‌محیطی به طریق اولی صادق است؛ زیرا اگر در جرایمی هم چون قتل، سرقت، زنا، توهین و غیره انسان به‌طور فطری به زشتی رفتار خود آگاه است، در جرایم زیست‌محیطی یا بخش قابل‌توجهی از آن، چنین آگاهی‌ای وجود ندارد. از این رو ضروری است که سیاست‌گذار جنایی، سیاست آموزشی ویژه‌ای را در دستور کار قرار دهد تا اخلاق زیست‌محیطی و فرهنگ زیست‌محیطی را در میان شهروندان ترویج دهد. در حقیقت، رسالت نخستین سیاست‌گذار جنایی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، تولید و ترویج اخلاق و فرهنگ زیست‌محیطی است تا شهروندان با ارزش‌ها و هنجارهای زیست‌محیطی آشنایی لازم را یافته و در رفتارهای روزانه خویش آن‌ها را رعایت نمایند.

تردیدی نیست که با آموزش عمومی و تخصصی شهروندان در رابطه با حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و شیوه‌های مناسب مصرف منابع، بخش عظیمی از جرایم و

۱. ماحصل این موضوع آن است که شورای اقتصادی اجتماعی در سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۲ رهنمودهای پیشگیری از جرم را جهت ترویج برنامه‌های پیشگیری از جرم در سطح ملی، به تصویب رساند. بند ۴ سیاست‌های کلی محیط‌زیست در خصوص پیشگیری مقرر داشته: پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌شناسی تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت.

## سبز

در این قسمت از پژوهش با الگوبرداری از سیاست جنایی بین‌المللی به بررسی جایگاه آموزش سیاست جنایی واکنشی در قبال بزه ضد سبز خواهیم پرداخت.

بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، برای نخستین بار در حوزه محیط‌زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت (قوای حاکم) است. در بند ۴ مقرر شده است که «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت» پرواضح است که مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. مؤلفه سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادسرا و دادگاه‌های تخصصی یا افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش‌دیده به منصفه ظهور می‌رسد.

اگر قوانین مربوط به محیط‌زیست با دقت و با توجه به اصول و اهداف نظام حقوق کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف قوانین مربوط، اعتقاد و باور نداشته باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست شده و عملاً در این حوزه توفیقی به دست نمی‌آید. امروزه با توجه به فنی و تخصصی بودن جرایم سبز قضات رسیدگی‌کننده باید با بایسته‌های حقوق محیط‌زیست آشنایی لازم را داشته باشند؛ اما متأسفانه، در حال حاضر، در نظام حقوقی ما کنشگران مرحله پیش‌دادرسی و دادرسی آموزش‌هایی را در این زمینه نمی‌بینند و می‌توان به‌طور قاطع گفت که اگر هم دادسرای تخصصی وجود دارد، فقط عنوانش تخصصی است.

گاهی دیده می‌شود قضات محترم، خود به دفاع از قوه مجریه برخاسته است و با این توجیه که نصب سیستم جلوگیری‌کننده از آلودگی محیط‌زیست یا تغییر محل کارگاه به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه که باعث بیکاری کارگران می‌شود برای مشتکی‌عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند. به‌عنوان مثال می‌توان به نظر بازپرس دادسرای میاندوآب در صدور قرار منع تعقیب در رسیدگی به شکایات مورخ ۱۳۶۳/۸/۸ اداره حفاظت از محیط‌زیست میاندوآب از مدیرعامل کارخانه قند میاندوآب اشاره نمود که مورد تأیید داستان نیز قرار گرفته بود. مشارالیه در جلسه رسیدگی به شکایت مزبور در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱۸ چنین

استدلال می‌کند که «جهت جلوگیری از آلودگی آب رودخانه زرینه‌رود به فرض صحت کامل ادعای اداره شاک، مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت جهت تعبیه و نصب دستگاه‌های عظیم تصفیه آب و غیره جهت جلوگیری از ریزش فاضلاب هرگونه تأسیسات از جمله فاضلاب بیمارستان عباسی و خانه‌های مسکونی واقع در اکناف رودخانه مذکور می‌باشد» که نه‌تنها از عهده کارخانه قند میاندوآب بلکه احتمالاً از عهده دولت نیز خارج است (Mirkamali & Hajivand, 2016). به نظر می‌رسد در رسیدگی به جرم‌های سبز باید سیستم تعدد قاضی حاکم باشد و قضات آن از میان کسانی انتخاب شوند که دانش‌آموخته حقوق محیط‌زیست یا حقوق کیفری (آشنا با مسائل زیست‌محیطی) باشند. البته آموزش‌های مداوم این دسته از قضات جهت رویارویی با جرایم فنی علیه محیط‌زیست، امری لازم و ضروری است. آشنایی این دسته از قضات با تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی حیاتی است. متأسفانه امروزه علیرغم تصریح ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران به آن پیوسته و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در حکم قانون بوده و برای دادگاه‌های کشور لازم‌الاجرا است.» قضات آشنایی با این دسته از تعهدات بین‌المللی ندارند یا اینکه اعتقاد و میلی به تعهدات بین‌المللی ندارند، درحالی‌که آشنایی کامل و باور به اینکه عمل به تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی موجب شکوفاتر شدن محیط‌زیست و حفظ آن در مقابل تخریب و آلودگی می‌شود، یکی از مهم‌ترین بایسته‌های افتراقی نمودن و تخصصی کردن رسیدگی به جرایم سبز است.

در این قسمت از بحث، ما ضابطان خاص آموزش‌دیده را به اعتبار وضعیت ضابط بودن آنان در جرایم سبز در دو قسم ضابطان سبز و ضابطان پیرا سبز مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

منظور از ضابطان سبز، ضابطانی هستند که صراحتاً به‌موجب قوانین خاص، ضابط محسوب می‌شوند که در این بخش به بررسی این موارد می‌پردازیم.

(الف) مأمورین جنگلبانی، مطابق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۶ (ب) مأمورین شکاربانی: مطابق ماده ۱۹ قانون شکار و صید مصوب سال ۱۳۴۶ و ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳

(ج) مأموران سازمان بنادر و دریانوردی، محیط‌زیست و شیلات: به‌موجب ماده ۱۲ قانون حفاظت از دریاها و رودخانه-



که گزارش آن‌ها به موجب قانون به منزله گزارش ضابطان دادگستری است، همچنین مأمورانی که در قانون صراحتاً به ضابط بودن آنها اشاره نشده اما از نظر قانون، تکالیفی مشابه ضابطان دادگستری به آنها محول شده است، مشمول این آیین‌نامه نمی‌شوند.» از این رو شرط انجام وظیفه مأموران دسته‌های دوم و سوم، گذراندن دوره‌های آموزشی خاص و اخذ کارت نیست.

خصیصه‌های جرم شناختی بزه‌کاران و خود جرایم سبز و بزه‌دیدگی جمعی در این دسته از جرایم اقتضا می‌کند که در کنار دادسرای تخصصی جرایم سبز وظایف مربوط به ضابطان در مورد جرایم سبز و تحقیق و بازرجویی از مرتکبان توسط ضابطان آموزش‌دیده صورت گیرد. از این رو مساله تشکیل ضابطان یا پلیس تخصصی باید مورد توجه قانون‌گذار قرار بگیرد. ضابطین تخصصی و آموزش‌دیده و پلیس ویژه برای جرایم سبز برای ارتقای عملکرد نظام حقوقی لازم و ضروری است. شاید دلیل تشکیل پلیس تخصصی آموزش‌دیده، ماهیت خاص جرایم ضد سبز و ضرورت پلیسی آموزش‌دیده در این حوزه است به طوری که هر جرم مستلزم پاسخ ویژه‌ای است. در حال حاضر ضابطان خاصی که در جرایم زیست‌محیطی وجود دارند، آموزش‌های عمومی را می‌گذرانند نه آموزش‌های فنی و تخصصی در حوزه جرایم سبز. از این منظر نظام حقوقی ما با ضعف جدی مواجه است و همین امر توجیه‌گر تشکیل پلیس تخصصی و اهمیت آموزش فنی و تخصصی به ضابطان جرایم سبز است.

یکی دیگر از چالش‌های حوزه سیاست جنایی واکنشی سبز، استفاده از مراجع پیرا قضایی است که آموزش‌های زیست‌محیطی لازم را ندیده‌اند. منظور از مراجع پیرا قضایی رسیدگی، مراجعی هستند که از افرادی غیر از دارندگان پایه قضایی تشکیل شده و به‌تنهایی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرائم دخالت دارند. در حال حاضر سه دسته در نظام دادرسی کیفری ایران وجود دارند که عبارت‌اند از: هیات منصفه، شورای حل اختلاف و سازمان تعزیرات حکومتی. همان‌طور که ملاحظه می‌شود میزان جزاهای مقرر در قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و با اصلاح قانون شورای اختلاف در سال ۱۳۹۴، شورای حل اختلاف دیگر جایگاهی در رسیدگی به پرونده‌های زیست‌محیطی ندارد و این پیشرفت خوبی است چراکه سهل‌گیری‌ها در این دسته از جرایم، مناسب

های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹

(د) ناظران شرعی بر ذبح دام، پرندگان و صید آبیان به موجب ماده ۸ قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید مصوب ۱۳۸۷

(ه) ضابطین قانون هوای پاک به موجب ماده ۳۱ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶

(و) ضابطان پسماندها به موجب ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۴/۵/۱۰

ضابطان پیراسبز خود به دودسته تقسیم می‌شود که در دو قسمت آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

– مأمورانی که در قانون به ضابط بودن آنان تصریح نشده اما گزارش آنان در حکم گزارش ضابطان است:

۱. مأمورین شهرداری

مطابق ماده ۷ لایحه قانونی حفظ گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹

۲. مأمورین وزارت جهاد کشاورزی

مطابق ماه ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت مصوب سال ۱۳۵۲ و ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب

۳. مأمورین وزارت نیرو

مطابق ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۱۰ قانون سازمان برق ایران مصوب سال ۱۳۴۶

– مأمورانی که در قانون به صراحت به ضابط بودن آنان تصریح نشده بلکه تکالیف ضابطان به آنان واگذار شده است:

۱. مأمورین وزارت جهاد کشاورزی

مأمورین وزارت جهاد کشاورزی مطابق تبصره ۲ ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب سال ۱۳۷۴ با اصلاحات بعدی، تکلیف ضابطان را دارند، اما به صراحت سخنی در خصوص ضابط بودن آنها به میان نیامده است.

دسته اول این ضابطان به صراحت در قانون، ضابط دادگستری محسوب شده‌اند و در صورت گذراندن دوره‌های آموزشی مورد نیاز و اخذ کارت مربوط در حدود وظایف محوله، ضابط دادگستری می‌باشند و از تمام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری برخوردارند و مسئولیت‌های ضابطان را نیز برعهده دارند؛ اما دسته دوم و سوم ضابط محسوب نمی‌شوند اگرچه برخی از وظایف ضابطان را انجام می‌دهند. در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۷/۱ رئیس قوه قضائیه، مقرر شده است که: «مأمورانی

که عهده‌دار مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، ضروری دانسته است که موضوع محیط‌زیست را در دستور کار خود قرار داده و از رهگذر تصویب اسناد الزام‌آور، اسناد ارشادی، پیمان‌نامه‌ها، قطعنامه‌ها، برگزاری کنفرانس‌های متعدد، ایجاد نهادهای تخصصی وابسته (مانند یونپ)، تعیین اولویت‌های هزاره‌ی سوم میلادی و ... دولت‌ها را «ترغیب» یا «ملمز» به پیشگیری و مقابله با جرایم زیست‌محیطی کند؛ بنابراین بررسی سیاست جنایی سازمان ملل متحد در قبال بزه‌کاری زیست‌محیطی از اهمیت فراوانی برخوردار است و می‌توان از یک سیاست جنایی بین‌المللی در مقابل حقوق کیفری ملی صحبت نمود، چراکه زمانی که حقوق کیفری جهانی شده است، سیاست جنایی در برابر جرایم بین‌المللی و فراملی همچون بزه‌کاری زیست‌محیطی نیز باید جهانی شود و حاکمیت دولت‌ها نمی‌تواند مانعی بر این راه باشد، چراکه اصل احتیاط مقتضی به‌عنوان یکی از اصول مسلم بین‌الملل محیط‌زیست نشان‌دهنده این مهم است که آسیب‌ها و ضررهای زیستی بزه‌کاری زیست‌محیطی محدود به مرزهای یک کشور نیست و دولت نیز خود متعهد به تضمین حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از نسل‌های حقوق بشری است. آموزش محیط‌زیست به‌عنوان یک امر تخصصی در سیاست‌گذاری جهانی تمامی نظام‌ها لحاظ می‌گردد. در جهت مقابله و مبارزه با بزه ضد سبز به‌عنوان بزه‌ی ضد توسعه پایدار، آموزش جایگاهی والاتر از آموزش‌هایی صرفاً در قالب درک‌مندی و اخلاق‌پذیر نمودن جوامع دارد. در سیاست جنایی بین‌المللی شده که در دودسته کنشی و واکنشی قابل‌تصور است، آموزش هم در قبال شهروندان جهت مدیریت سیاست جنایی کنشی پیشگیرانه و هم در قبال سیستم قضائی جهت مدیریت سیستم جنایی واکنشی جایگاه دارد که نظام حقوقی ایران نیز در برخی از این حوزه‌ها دارای چالش‌های جدی است که با برطرف نمودن این چالش‌های آموزش‌مدار می‌تواند به مقابله و مبارزه با پدیده بزه ضد سبز بردارد.

پیشنهاد می‌شود در جهت تحقق اهداف سیاست جنایی سبز که همانا مقابله با بزه‌های ضد سبز است:

- اولین گام تدوین قانون جامع محیط‌زیست است که همسو با سیاست جنایی بین‌المللی است.
- درس حقوق محیط‌زیست به‌عنوان درسی الزامی برای تمامی دانشجویان مقطع کارشناسی در نظر گرفته شود؛ علیرغم اینکه درس شناخت محیط‌زیست به‌عنوان درس اختیاری الزامی برای

نیست و اشخاصی که در شورای حل اختلاف هستند نیز آشنایی به بایسته‌های حقوق محیط‌زیست ندارند. با این اوصاف، نظام حقوقی ما نسبت به برخی از نظام‌های حقوقی پسندیده و درخور توجه است، چراکه در نظام حقوقی انگلستان، رسیدگی به برخی از جرایم زیست‌محیطی در صلاحیت محاکم صلح هستند و این خود ایراد جدی است، چراکه قضاتی که در این محکمه هستند با مسائل حقوقی آشنایی کاملی ندارند.

به‌موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۴: «حمل چوب و هیزم و زغال حاصل از درختان جنگلی به شرحی که در ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع آمده ممنوع است و با عنایت به این‌که قانون مجازات مرتکبان قاچاق که ماده مذکور مجازات مرتکبان نسخ شده است، بنابراین، با توجه به مقررات ماده ۱۸ آن قانون، عمل ارتكابی تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی به آن طبق ماده ۴۴ قانون مذکور در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.» برخی از نویسندگان در خصوص رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور نظری مثبت داده‌اند و آن را هم‌سو با الهیات و عدالت محیط‌زیست تلقی نموده‌اند (Mohseni, 2017)، در اینکه حفظ جنگل‌ها از طریق رسیدگی‌های عادلانه صورت می‌پذیرد شکی نیست، اما به نظر می‌رسد رأی وحدت رویه از این جهت که دیوان عالی کشور حمل چوب و هیزم و زغال حاصل از درختان جنگلی را تخلف محسوب کرده قابل نقد به نظر می‌رسد. امروزه یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط‌زیست این است که حمایتی همه‌جانبه از محیط‌زیست صورت گیرد، چراکه حقوق جزا به‌عنوان آخرین راه‌حل زمانی پا به عرصه می‌گذارد که بنیادی‌ترین ارزش‌ها و حقوق انسانی، زیر پا گذاشته شود. در این بحران هیزم، دیوان عالی کشور حمل چنین چیزی را تخلف می‌انگارد؟ سازمان تعزیرات حکومتی در حال حاضر که به‌عنوان یک سازمان غیرقضایی است، با این وصف گویی که یک محکمه است. مع‌الوصف، این رأی وحدت رویه با قصد خیری که داشته (قضازدایی) تضمینی کافی در جهت حمایت از محیط‌زیست ارائه نداده است و در مجموع قابل نقد است و برخلاف لزوم وجود یک قاضی آموزش‌دیده زیست‌محیطی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

امروزه در جامعه‌ی بین‌المللی پذیرفته‌شده است که تهدیدات زیست‌محیطی نیز صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازند. سازمان ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین سازمان جهانی

ضابطین در نظر گرفته شود؛ چراکه جرایم زیست‌محیطی به علت فنی بودن جهت کشف نیازمند آموزش‌هایی از رشته‌های مهندسی محیط‌زیست و آموزش محیط‌زیست و غیره دارد. البته لازم به ذکر است جهت تحقق اهداف این بند، بایستی پلیس ویژه سبز در نظام کیفری ایران تأسیس گردد.

– قضات پیراقتضایی از قلمرو رسیدگی‌های سبز حذف شده و قضات قضایی نیز از تحصیل‌کردگان حقوق محیط‌زیست، حقوق انرژی و ... انتخاب شوند. توجه قضات به رویه قضایی بین‌المللی نیز در این خصوص راه گشا خواهد بود که در این خصوص با فقر قضایی جدی مواجه هستیم.

مقطع کارشناسی در نظر گرفته شده است. شناخت دانشجویان با حقوق محیط‌زیست گام بسیار مؤثری در جهت پیشگیری‌های جامعه مدار است که البته برای تحقق این مقوله حتماً باید از اساتید پیشگیری از جرم بهره‌مند شد.

– رسانه‌های سبز به‌عنوان رسانه‌هایی اجتماعی در جهت افزایش سواد رسانه‌ای افزایش پیدا کند و پیشگیری‌های اجتماعی آموزش مدار توسط قوه قضائیه تدوین گردد و در یک سطح جامع‌تر سند سیاست جنایی سبز با تأکید بر نقش آموزش‌های سبز به تدوین برسد.

– ضابطین خاص افزایش پیدا کند و هر ساله توسط متخصصین محیط‌زیست دوره‌هایی برای این

## References

- Beygzadeh, A. (2021). *International Law*, Tehran: Mizan Publishing. [In Persian].
- Boyle, A. (1991). *International Law and the Protection of the Global Atmosphere: Concepts, Categories and Principles*. in *International Law and Global Climate Change*. Robin Churchill and David Freestone, eds. Leiden: Kluwer Academic Publishing.
- Brisman, A & Nigel S. (2014). *Green Culture Criminology*, New directions in critical criminology, Routledge publisher.
- Brisman, A & Nigel S. (2019). *Green Criminology and Environmental Crimes*, Sociology Compass.
- Ervanian, Amir. (2017). *criminal policy making, the basics of principles and strategies*, PhD thesis, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- GorgiFard, H. (2016). *Green Criminology*, Tehran: Mizan Publishing. [In Persian].
- Hajivand, A. (2017). *Green criminal procedure in Iran, master's thesis in criminal law and criminology*, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Hajivand, A. Mirkamali, A., Safari, F. (2017). *Government's criminal responsibility for environmental crimes in Iran, needs and challenges*, *Shahid Beheshti University Environmental Sciences Quarterly*, 16(2), pp. 65-82. [In Persian].
- ICJ, *Case Concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)*, ICJ Reprts 1997, Separate Opinion of Vice-President Weeramantry, para. C.
- ICJ. (2014). *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan: New Zealand intervening)*, ICJ Reports 2014, Dissenting Opinion of Judge Cancado Trindade, para. 87-90.
- ICJ. (2014). *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan: New Zealand intervening)*, Judgment of 31 March 2014.
- ICJ. (2016). *Obligations Concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom)*, Judgment of 5 October 2016.
- ICJ. (2016). *Obligations Concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom)*, ICJ Reports 2016, Dissenting Opinion of Judge Cancadi Trindade, para. 319.
- Jalalian, A. (2021) *International Environmental Law (Collection of Articles)*, second volume, Tehran: Dadgostar Publications. [In Persian].
- Keshavarz, A. (2017). *Iran's criminal policy for environmental crimes*, doctoral dissertation in criminal law and criminology, Islamic Azad University:

- Tehran Science and Research Branch. [In Persian].
- Mashhadhi, A. (2012). The right to a healthy environment, Tehran: Mizan Publications. [In Persian].
- Mirkamali, A; HajiVand, A. (2016). Analysis of the prevention of environmental crimes in the light of United Nations guidelines and the ethical principle of harm prevention, Journal of Bioethics of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, 7th volume, 26th issue, pp. 61-75. [In Persian].
- Mohseni, H. (2017). Environmental Justice and Protection of Forest in Criminal Unification Judgment of Supreme Court, Criminal Law at Tehran University, Vol 4, pp 85-109 [In Persian].
- Rezaei, A., & Jalalian, A. (2017). The influence of the Stockholm Declaration of 1972 on the training and institutionalization of the principles and concepts governing the environment in the field of international law. Environmental Education and Sustainable Development, 6(2), 83-100. [In Persian].
- Shamloo, b. (2016). Green Victimology. Journal of Criminal Law Research, 6(20), 37-67. [In Persian].
- Simma, B. (1994). From Bilateralism to Community Interest. Recueil des Cours de l'Académie de Droit International de la Haye. 250, 217.

